

الزامات ژئوپلیتیک و ضرورت‌های راهبردی برنامه موشکی جمهوری اسلامی ایران در محیط آنارشیک نظام بین‌الملل

احسان یاری^۱

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۰۴/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۱۶

فصلنامه علمیآفاق امنیت / سال دوازدهم / شماره چهل و دوم - بهار ۱۳۹۸

چکیده

در ساختار نوین بین‌المللی و محیط آنارشیک نظام جهانی، تهدیدات دارای جنبه‌های نظامی، همچنان از مهم‌ترین مصادیق نگران‌کننده امنیت ملی کشورها محسوب می‌شوند. در چنین شرایطی، کشورها دائماً در تلاش برای به‌روزرسانی در ماهیت قدرت تدافعی - تهاجمی نیروهای نظامی و نوع و ساختار تجهیزات رزمی خود برای مقابله با انواع تهدیدها هستند. جمهوری اسلامی ایران نیز به‌عنوان یکی از کشورهای مهم و تأثیرگذار در منطقه پراشوب غرب آسیا، تلاش‌های فراوانی در زمینه خودکفایی توانایی‌های نظامی خود انجام داده است. در این بین، توسعه و گسترش فناوری‌های ساخت انواع موشک‌های دوربرد و دقت‌های مختلف، از نکات بسیار مهم در ساختار نظامی ایران در سه دهه اخیر بوده و موفقیت‌های فراوانی نیز در آن به‌دست آورده است. در این پژوهش، با تمرکز بر توانایی‌های موشکی ایران، این پرسش مطرح می‌شود که زمینه‌ها، ضرورت‌ها و اهداف راهبردی برنامه موشکی جمهوری اسلامی ایران چه هستند و اصولاً چه عامل یا عواملی باعث گرایش ایران به توسعه صنایع موشکی شده است؟ استدلال اصلی این مقاله آن است که التزام ژئوپلیتیکی ناشی از موقعیت ایران، تجربه جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، لزوم بازدارندگی منطقه‌ای، همراهی با تحولات فناورانه نظامی بین‌المللی و عقب‌نماندن در چرخه مسابقه تسلیحاتی، از جمله مهم‌ترین عوامل زمینه‌ای و ضرورت‌بخش توسعه برنامه موشکی ایران می‌باشد که ذیل هدف کلی بازدارندگی، ایجاد و توسعه یافته‌اند.

واژگان کلیدی

ایران؛ امنیت؛ برنامه موشکی؛ جنگ؛ بازدارندگی

مقدمه

در طول قرن‌ها و به دلیل وجود تنش‌ها و تناقضاتی که همواره در جوامع بشری وجود داشته است، ضرورت ساخت تسلیحاتی که امکان استفاده از فاصله دور را طی درگیری‌ها و جنگ‌ها فراهم نمایند، بسیار مورد توجه بوده است. از این‌رو، ساخت انواع اولیه توپ‌ها در قرون گذشته، بخش کوچکی از این اقدامات برای تولید این‌گونه تجهیزات نظامی بوده است، اما با فراهم آمدن تسلیحات جدید که موشک نامیده می‌شوند، تغییراتی شگرف در روند اقدامات تهاجمی و بازدارنده بشری به وقوع پیوسته است، تاجایی که موشک‌ها جزئی جدایی‌ناشدنی از تحولات مهم و تأثیرگذار فناورانه در عصر جدید شده‌اند که امکان نوع جدیدی از درگیری‌های متشکل از بمباران از راه دور اهداف مختلف با فاصله بیش از یک هزار مایل در طول روز و شب و شرایط مختلف جوی را برای پاسخگویی قاطع به دشمن فراهم کرده است. لازم به ذکر است که تاریخ تسلیحات موشکی، از یک‌سو دارای جنبه‌های گوناگونی همچون، تمرکز بر بعد فناوری‌های پیچیده، بخش اجرایی موشک، نقش نیروها و متحدان خارجی برای کمک و به سرانجام رساندن برنامه موشکی و از سوی دیگر، تغییر ابعاد و چشم‌اندازهای واقعی و فرضی در سطح بین‌المللی از نکات غیرقابل‌اجتناب در این عرصه است. باید عنوان کرد که موشک‌ها در طی سالیان متمادی و در جنگ‌های گوناگون نقش بسزایی در فرایند درگیری‌ها داشته‌اند که تأثیراتی چون روندهای سیاسی آغاز و پایان جنگ‌ها از نمونه‌های مؤثر استفاده از این سلاح‌های راهبردی هستند. این سلاح مهم در روند جنگ‌های متعدد به صورت انبوه مورد استفاده قرار گرفته است و تلاش کشورها برای به دست آوردن فناوری‌های جدید موشکی در بردها و همچنین دقت‌های بیشتر نشان‌دهنده نقش و تأثیرات مهم موشک است.

در واقع، این جنگ جهانی دوم بود که موشک‌های بالستیک در آن به وسیله‌ای برای جنگ‌های نوین تبدیل شدند و به عنوان یک سلاح جدید، تأثیرات روانی مهمی را در پی داشتند، اما این روند و شناخت اهمیت موشک‌ها در فضای بین‌المللی باعث شد که پس از پایان جنگ جهانی دوم نیز توسعه فناوری‌های موشکی پایان نپذیرد، بلکه سه دهه پایانی قرن گذشته شاهد گسترش به کارگیری موشک‌های بالستیک میان کشورهای در حال توسعه نیز باشد. این کشورها عمدتاً این موشک‌ها را به طور کامل از متحدان بزرگ خود خریداری می‌کردند، اما پس از مدتی موفق شدند به مرحله اصلاح این موشک‌ها برسند و شمار محدودی از آنها در مرحله طراحی و ساخت تقریباً مستقل این موشک‌ها قرار گرفتند. به این ترتیب، موشک‌های بالستیک که زمانی تنها در انحصار قدرت‌های بزرگ بودند، مانند هواپیماهای جنگی در ارتش‌های بسیاری از کشورهای در حال توسعه به کار گرفته شدند.



ورود موشک‌های بالستیک به کشورهای در حال توسعه پیامدهای راهبردی مهمی هم در سطح منطقه‌ای و هم در سطح بین‌المللی به دنبال داشته است که مهم‌ترین آنها کاهش اهمیت فاصله جغرافیایی در بعد نظامی است. در منطقه مهم و راهبردی غرب آسیا، جنگ‌های معاصر و به‌خصوص جنگ‌های ایران و عراق و خلیج فارس، نقطه عطفی در محیط امنیتی منطقه و استفاده از سلاح‌های جدید ایجاد نمود. انرژی‌های سیاسی و نظامی شدید متمرکز در طول جنگ به اندازه کافی بالا بود که بسیاری از خطرات اجتماعی و امنیتی را در منطقه به وجود آورد که گسترش سلاح‌های کشتار جمعی و موشک‌های بالستیک از نکات قابل توجه این جنگ‌ها شناخته می‌شوند (Cordesman, 1999:49).

باید اشاره کرد که در هیچ نقطه‌ای از دنیا گسترش موشک‌های بالستیک به سرعت و گستردگی منطقه غرب آسیا نبوده است. موشک‌های بالستیک هم‌اکنون وارد زرادخانه تمام کشورهای بزرگ و کوچک این منطقه شده و حداقل در جنگ‌های اخیر به‌طور گسترده‌ای مورد استفاده قرار گرفته‌اند. در واقع، این نتیجه مهم جنگ‌های معاصر بود که باعث شد، بیشتر کشورهای غرب آسیا در نوسازی ارتش و دفاع از برنامه‌های آمادگی فناوری‌های مشغول شوند. سلاح‌های جدید، مانند سامانه‌های موشکی ضد بالستیک، برای اولین بار معرفی شدند و به‌طور کلی تغییر راهبردی در نوع تسلیحات راهبردی کشورهای منطقه به‌وقوع پیوست و عملاً مسابقات تسلیحاتی را به وجود آورد.

بر اساس این توضیحات، جمهوری اسلامی ایران نیز به دلیل تجربه‌های تاریخی و نگرانی‌ها و تهدیدات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، از سالیان گذشته تلاش‌های بسیاری در به‌دست آوردن فناوری و گسترش توانایی‌های خود در ساخت انواع موشک‌ها و با بردهای مختلف برای پاسخگویی به جنبه‌های مختلف تهدید داشته و در این عرصه پیشرفت‌های زیادی را نیز به‌دست آورده است و البته این توسعه با واکنش‌های متفاوت و متضادی هم همراه بوده است. با این توضیحات، نگارنده به دنبال پاسخگویی به این پرسش است که زمینه‌ها، ضرورت‌ها و اهداف راهبردی برنامه موشکی جمهوری اسلامی ایران چه هستند و اصولاً چه عامل یا عواملی باعث گرایش ایران به توسعه صنایع موشکی شده است؟ براساس این پرسش، این فرضیه مدنظر قرار گرفته است که زمینه‌ها و ضرورت‌های برنامه موشکی ایران در واقع، التزام ژئوپلیتیکی ناشی از موقعیت جغرافیایی ایران، تجربه جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، لزوم بازدارندگی منطقه‌ای، همراهی با تحولات فناوری‌های بین‌المللی و عقب‌نماندن در چرخه مسابقه تسلیحاتی است که ذیل هدف کلی بازدارندگی، ایجاد و توسعه یافته‌اند. روش پژوهش این نوشتار، توصیفی-تحلیلی بوده و داده‌ها و اطلاعات

موردنیاز عمدتاً با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و از منابع مختلف اعم از کتاب، مقاله و سایت‌های معتبر، جمع‌آوری شده است.

چارچوب نظری

باتوجه به مقدمه مطرح شده، رهیافت رئالیستی از اصلی‌ترین نظریات روابط بین‌الملل به‌عنوان مبنای نظری پژوهش، مورد بررسی قرار خواهد گرفت. زیرا این رویکرد، بقا و امنیت و همچنین مسئله دفاع و تهاجم در مقابل سایر بازیگرانی که امنیت دولت‌ها را با چالش روبه‌رو می‌کنند، مفاهیم مهم و راهبردی آن را تشکیل می‌دهند. درواقع، رهیافت رئالیستی از نظریه‌های مهم روابط بین‌الملل است که سیاست‌های جهانی را براساس رقابت دولت‌ها بر سر منافع ملی تعریف می‌کند و به اقدامات کشورها در مقابل تهدیدات عمدتاً بیرونی می‌پردازد.

در این رهیافت، دولت‌ها واحد اصلی تحلیل هستند و این روابط دولت‌هاست که روابط بین‌الملل را معنا و مفهوم می‌بخشد. درچنین شرایطی، امنیت، نقش مهمی در روابط بین‌الملل بازی می‌کند، ازاین‌رو دولت‌ها به‌عنوان یک کنشگر یکپارچه و منطقی شناخته می‌شوند که درپی بقا هستند. وضعیت‌ی که دولت‌ها خود را ملزم به اجرای دستورات و قواعد نظام نمی‌دانند و در این نظام، قدرت مرکزی برای نظارت بر اجرای احکام صادره وجود ندارد. ازاین‌روست که نظام بین‌الملل را آنارشی می‌نامند (Waltz, 1979: 102).

براساس رویکرد رئالیسم، نقطه مشترک بازیگران در عرصه سیاست بین‌الملل، تلاش برای کسب قدرت، حفظ قدرت و نمایش قدرت به‌منظور به‌دست‌آوردن اعتبار است و یک دولت باید پیوسته درحال افزایش قدرت خود در رقابت با سایر بازیگران باشد. ازاین‌رو، قدرت، مشخصه اصلی سیاست محسوب می‌شود و اصلی‌ترین منفعت دولت بقای آن است (Wohlforth, 2008: 32). در این نظام، مهم‌ترین هدف و مقصود غایی سیاست خارجی، طرح و دفاع از منافع ملی در جهان سیاست است، جهانی که دربرگیرنده ستیز میان قدرت‌های بزرگ برای سلطه و امنیت است (جکسون و سورنسون، ۱۳۹۱: ۹۴).

درواقع، از نظر رئالیست‌ها، نظام بین‌الملل میدان مبارزه است، دولت‌ها در همه حال، برای تأمین بقای خود یا ایجاد سلطه با سایر دولت‌ها مبارزه می‌کنند و سیاست بین دولت‌ها یک بازی چانه‌زنی مداوم بر سر توزیع و بازتوزیع منابع کمیاب است. از نظر واقع‌گرایان، روابط بین‌الملل هرچند صحنه جنگ دائمی نیست، احتمال جنگ و رقابت امنیتی بی‌رحمانه‌ای همواره وجود دارد. هرچند شدت رقابت، موردبهمورد فرق می‌کند و یا آنکه کشورها گاهی با یکدیگر همکاری می‌کنند، این همکاری محدودیت‌های خاص خود را



دارد و با منطق بر رقابت امنیتی که هیچ اندازه همکاری نمی‌تواند آن را از بین ببرد، محدود می‌شود (عبداله‌خانی، ۱۳۸۹: ۶۲).

بر اساس این نگرش‌ها از صحنه روابط بین‌الملل و تلاش دولت‌ها برای بقا و کسب قدرت، دو رویکرد مهم و تأثیرگذار از رهیافت رئالیستی، با ارزش‌های تهاجمی و تدافعی با دیدگاه‌های متفاوت به روابط میان دولت‌ها برای رفع تهدیدات امنیت ملی ایجاد شده است که در این بخش به بررسی آنها پرداخته خواهد شد.

در رئالیسم تهاجمی، احتمال وقوع جنگ همواره وجود دارد و هیچ‌گاه به میزان آرامش بخشی تنزل نمی‌کند. همچنین، روابط بین‌الملل نه یک حالت ثبات، بلکه یک رقابت امنیتی بی‌رحم است و تنها قدرت است که می‌تواند از خطر افزایش احتمال وقوع جنگ توسط حریف جلوگیری کند و در صورت وقوع، مانع شکست در جنگ شود، زیرا آنارشی وجه بارز و مشخصه نظام بین‌الملل است. حتی اگر نیت و انگیزه دولت‌ها تشخیص داده شود، هیچ تضمینی وجود ندارد که آنها ثابت باقی بمانند (Copeland, 2000: 191).

لازم به ذکر است که واقع‌گرایی تهاجمی نمایش عمده سیاست قدرت خارجی است که دولت‌ها برای به حداکثر رساندن قدرت خود در تلاشند. دولت‌ها می‌کوشند ثروت خود و توانایی‌های نظامی‌شان را برای جنگیدن در نبردهای زمینی بیشینه سازند

(Mearsheimer, 2001: 140). واقع‌گرایی تهاجمی، ضمن توصیف شرایط آنارشی، وظیفه اصلی دولت‌ها را در چنین شرایطی، این‌طور عنوان می‌کند که دولت‌ها با به حداکثر رساندن قدرت خود در برابر دیگران، می‌کوشند بقای خود را در چنین محیطی حفظ کنند تا ضمن دستیابی به تسلیحات برای دفاع از خودشان، بتوانند آنها را برای خود حفظ کنند. واقع‌گرایان تهاجمی، احتمالاً وقوع جنگ و به بیان دقیق‌تر، ناامنی را پدیده‌ای اجتناب‌ناپذیر و طبیعی تلقی می‌کنند. آنها طراحی دکتترین و راهبردهای امنیتی مبتنی بر کاهش احتمال وقوع جنگ را ناکارآمد و غیرمطلوب می‌دانند و روی دومین گزینه معادله امنیت، یعنی کاهش احتمال شکست در جنگ تمرکز کرده‌اند (ویلیامز، ۱۳۹۲: ۸۷).

اما در رئالیسم تدافعی، امنیت برابر است با برخورداری از قدرت کافی برای ایجاد موازنه، تاجایی که موازنه برقرار است، امنیت نیز وجود دارد. رئالیست‌های تدافعی مانند نواقح‌گرایی معتقدند، دولت‌ها در نظام اقتدارگریز بین‌المللی که در آن تهدید اصلی برای رفاه و بهروزی‌شان ناشی از دیگر دولت‌هاست، جویای امنیت هستند (Walt, 2002: 198). اگر کشوری قصد برهم‌زدن امنیت و موازنه را داشته باشد، کشورها باید جهت کسب امنیت، اقدام به افزایش قدرت و دستیابی به موازنه جدید کنند. این رویکرد، معادله قدرت و امنیت را رد می‌کند و می‌گوید ناامنی، دولت‌ها را وادار به تسلیح و دفاع می‌کند که این امر بسته

به موازنه تهاجمی - تدافعی، موقعیت‌های تدافعی - تهاجمی، شناخت دشمن و دیگر متغیرها، ممکن است به تضاد منجر شود.

راهکار تدافعی، تمایز میان تهاجم - تدافع را عامل مهمی در اعتماد دولت‌ها به یکدیگر می‌داند و می‌گوید: چنانچه دولتی قادر باشد راهکارهای تدافعی از خود بروز دهد، امکان ایجاد اعتماد موقت میان بازیگران موردنظر وجود دارد. بنابراین، کاهش وقوع جنگ نیز احتمال می‌رود. این راهکار به‌نوعی در دو گزینه، کاهش احتمال جنگ و کاهش احتمال شکست، دارای ظرفیت و توان مناسبی است. در گزینه اول، از طریق اتخاذ راهکارهای دفاعی و تلاش برای بروز ندادن رفتارهای تهاجمی سعی در اعتمادسازی امنیتی و کاهش نگرانی‌ها دارد و در گزینه دوم نیز با مسلح کردن خود و بالا بردن قابلیت‌های دفاعی، در صورت بروز جنگ، احتمال شکست خود را کاهش می‌دهد (عبداله‌خانی، ۱۳۸۹: ۸۶).

بر اساس موضوع این نوشتار، جمهوری اسلامی ایران به‌دلیل آنچه می‌توان اصول رئالیستی نام برد و نگرانی‌های امنیتی به‌وجود آمده و مقصودهایی که از راهکارهای واقع‌گرایی تدافعی حاصل می‌شوند، بر اساس عوامل، تجربیات و ضرورت‌های روابط بین‌الملل، تلاش‌های فراوانی برای حفظ امنیت در جهت پاسخگویی و نشان دادن قدرت در محیط امنیتی خود نشان داده است. از این رو، ساخت و گسترش تسلیحات موشکی به‌عنوان سلاحی قدرتمند در مقابل هرگونه تجاوز منطقه‌ای و بین‌المللی، بخش مهمی از جنبه‌های ایجاد امنیت و مقابله با عوامل تهدید بوده است که در سال‌های اخیر تلاش‌های فراوانی در جهت افزایش قدرت و امنیت نظامی در این زمینه انجام داده است.

با این توضیحات، باید ذکر کرد که مفهوم امنیت، در طول زمان و با توجه به تغییرات متعدد حادث شده در روابط بین‌الملل همچنان در حال تغییر است و معنا و مفهوم آن گسترش می‌یابد. عللی هم که ممکن است سبب اختلال در صلح و آرامش شوند، بسیار متعدد و متنوع شده‌اند و با گذر زمان تغییر می‌یابند. در واقع، با وجود آنکه جهانی شدن سبب تغییر مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی شده و ماهیت تهدیدات را دگرگون ساخته است، اما تهدیدات دارای جنبه‌های نظامی، همچنان از مهم‌ترین مصادیق نگران‌کننده امنیت ملی کشورها محسوب می‌شوند که تلاش برای رفع و مقابله با آن از وظایف اصلی دولت‌هاست. مفاهیمی که ضرورت‌ها و اهداف آن بر اساس نظریه رئالیستی برای جمهوری اسلامی ایران در این نوشتار مورد بررسی قرار خواهد گرفت.



روند ایجاد و توسعه برنامه موشکی ایران

پس از انقلاب اسلامی و وقوع هشت سال جنگ تحمیلی، نیروهای نظامی ایران و از جمله آن نیروی هوایی این کشور صدمات فراوانی دید و قابلیت‌های تسلیحاتی ایران هم‌زمان با پایان جنگ هشت‌ساله به شدت کاهش یافت. از این رو، ایران به دلایل تجربیات و محدودیات به وجود آمده تلاش نمود در گام‌های نخست به سمت دستیابی به سلاح‌های موشکی روی آورد، زیرا موشک‌ها در کوتاه‌مدت ضعف تسلیحاتی و به خصوص زمین‌گیر شدن هواپیماهای نظامی این کشور را جبران می‌کرد و می‌توانست سلاحی مناسب براساس امکانات موجود باشد.

ایران توانست در زمان جنگ تحمیلی و برای ایجاد شرایط پاسخ متقابل در برابر عراق، با استفاده از کمک‌های کشورهای لیبی، سوریه و کره شمالی و ...، موشک‌هایی را علیه مواضعی در عراق مورد استفاده قرار داده و روند جنگ را به شکل غافلگیرکننده‌ای تغییر دهد. اساساً به نظر مقامات ایرانی، موشک‌های بالستیک، نقش مهمی در پاسخ به حملات موشکی عراق و جلوگیری از ادامه جنگ ایفا کردند (Elleman, 2016:6). اما پس از جنگ تحمیلی نیز تهدیدات و شرایط جدید منطقه‌ای، ایران را وارد مرحله نوینی از چالش‌های خود نمود. عملیات طوفان صحرا و شکست دستگاه نظامی صدام در این عملیات و حضور مستقیم آمریکا و هم‌پیمانان بین‌المللی‌اش در عراق که با حمایت دولت‌های عرب منطقه انجام شده بود، تهدیدات جدیدتر و جدی‌تری را متوجه امنیت ایران کرد و آمریکا و هم‌پیمانانش به‌عنوان تهدید اصلی، مطرح شدند.

بنابراین، از آنجاکه ایران تلاش می‌کرد به افزایش ظرفیت نظامی متأثر از تهدیدات واقعی و تبدیل شدن به یک قدرت عمده در منطقه اقدام نماید، از سال ۱۹۸۹م. جمهوری اسلامی ایران تلاش زیادی برای بازسازی نیروهای نظامی خود که بر اثر جنگ ۸ ساله با عراق و تحریم تسلیحات بین‌المللی آسیب جدی دیده بودند، به‌عمل آورد. ایران برای تأمین نیازمندی‌های یادشده مجبور بود تا جنگ‌افزارها و فناوری نظامی پیشرفته را از خارج وارد کرده و همچنین به‌منظور کاهش اتکای خود به فروشندگان خارجی تسلیحات، پایه صنعتی - نظامی خود در داخل کشور را تقویت کند.

تلاش‌های ایران برای رفع مشکلات موجود در خرید و تعمیرات تجهیزات نظامی و جبران محدودیت و ضعف در نیروهای متعارف و به‌ویژه در قدرت هوایی باعث شد که ایران حداکثر تلاش خود را برای تجهیز موشکی و به‌دست آوردن فناوری ساخت آن و بومی‌سازی موشک در دهه ۱۹۹۰ میلادی به اوج برساند (Taylor, 2009:6). ایران در مرحله اول به‌منظور کسب دانش فنی، موافقتنامه‌های همکاری موشکی با کشورهای روسیه، چین و

کره شمالی امضا نمود و از این رو، اقدام به انتقال فناوری از کشورهای مذکور کرد. برای مثال، طبق توافقات به عمل آمده بین ایران و کره شمالی، این کشور با ساخت تأسیسات تولید سوخت مایع در اصفهان و سیرجان موافقت نمود. بنا بر گزارش مقامات امریکایی، شرکت‌های روسی تجهیزات آزمایش و تجهیزاتی مانند استیل‌های خاص، ژئوسکوپ، سامانه هدایت موشک، موتور راکت، فناوری سوخت و... را در اختیار ایران قراردادند (پوراخوندی، ۱۳۹۲: ۱۷۱).

اما پس از ساخت نخستین موشک‌های ایرانی براساس مهندسی معکوس، توسعه قابلیت‌های موشک‌های بالستیک در داخل ایران و براساس فناوری یا سلاح‌های سامانه‌های روسی، کره شمالی و چینی، همچنان ادامه یافت که ثمره آن موشک‌ها با قابلیت‌ها و بردهای جدید بود که ساخت موشک‌های با سوخت مایع سری شهاب با برد حداکثر ۲۵۰۰ کیلومتر و با سر جنگی حدود ۱۰۰۰ کیلوگرم (Steven, 2012: 15) از جمله موفقیت‌های ایران بود. بر این اساس، تجربیات ایران در تولید موشک‌های سوخت مایع باعث شد که روند روبه‌رشد در فناوری بومی تولید موشک‌های سوخت مایع ادامه یابد و ایران طی ۶ سال و تا اوت و اکتبر سال ۲۰۰۴ دستاوردهای بسیاری در این راستا کسب کرد که سرانجام آن به موشک قدرتمند سوخت مایع «قدر» انجامید و ایران را وارد مرحله جدیدی از ساخت موشک نمود و باعث شد ایران انواع مختلفی از موشک‌ها با سوخت مایع را در اختیار نیروهای مسلح خود قرار دهد.

پس از موفقیت‌های ایران در ساخت انواع موشک‌ها با بردها و قابلیت‌های متنوع با سوخت مایع، دانشمندان صنعت موشکی در صدد برآمدند تا نسل سوم سوخت‌ها را که به‌عنوان سوخت‌های جامد شناخته می‌شوند و نمونه پیشرفته‌تری نسبت به نوع مایع هستند، طراحی نمایند. بنابراین، ایران پس از آزمایش و ساخت موشک‌های شهاب به‌وسیله متخصصان داخلی، تلاش‌های جدیدی برای پژوهش و ساخت موشک‌هایی با سوخت جامد را در دستور راهبرد دفاعی خود قرارداد که ساخت موشک‌های سوخت جامد در انواع مختلف از جمله سجیل ۲ و عاشورا از دستاوردهای موشک‌های با این نوع سوخت ایران هستند.

عرصه نوینی از روند موشکی ایران نیز با موشک‌های کروز وارد مرحله جدیدی شد. در واقع، ایران بعد از کسب توانمندی در ساخت موشک‌های بالستیک به سمت خودکفایی در زمینه موشک‌های کروز حرکت کرد که موشک‌های کروز نظیر ظفر، نصر، نور، قادر و غدیر در این دسته قرار می‌گیرند. در این بین، موشک‌های کروز ضد کشتی به دلیل هدف قراردادن انواع کشتی‌ها از فاصله دور از اولویت بالایی میان موشک‌های کروز ایران برخوردار هستند.



نکته مهم در زمینه تولید موشک‌های کروز در ایران آن است که این موشک‌ها، باهدف برطرف کردن دو نقطه ضعف دفاعی جمهوری اسلامی ایران یعنی عدم برتری هوایی و آسیب‌پذیری دریایی در دستور کار ایران قرار گرفته‌اند (پوراخوندی، ۱۳۹۲: ۱۷۸). لازم به ذکر است که ایران دستاوردهای بزرگی در ساخت انواع موشک‌های کوتاه‌برد توپخانه‌ای نیز داشته و نشان داده است که این موشک‌ها حتی دارای تأثیر راهبردی بوده و در جنگ‌های نامنظم و به‌عنوان یک نوع غیرمستقیم از طرح‌ریزی قدرت استفاده می‌شود. ایران به‌وسیله این موشک‌ها کمک زیادی به حماس و گروه جهاد اسلامی فلسطین نموده، موشک‌هایی که اغلب به‌صورت پنهانی قدرت آتش پراکنده را به سمت رژیم صهیونیستی داشته‌اند و باعث شده است، این رژیم نتواند در حمله زمینی آنها را منهدم نماید (2014:70, Cordesman).

بااین‌حال، دستیابی ایران به فناوری بومی‌سازی ساخت و پرتاب موشک‌های بالستیک و کروز و پرتاب ماهواره، همواره در معرض انتقاد شدید دولت‌های غربی و منطقه‌ای و به‌طور عمده دولت‌های عرب خلیج فارس، رژیم صهیونیستی، امریکا و اتحادیه اروپا بوده است. آنها مدعی‌اند براساس رویکرد امنیتی تهاجمی، ماهیت توانمندی موشکی ایران، مخرب و در خدمت اهداف توسعه‌طلبانه است، به‌گونه‌ای که جمهوری اسلامی ایران تعمداً با استفاده از این توان تهاجمی در پی برهم‌زدن توازن منطقه‌ای و کاهش امنیت سایر بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است. از این‌رو، آزمایش و توسعه صنایع موشکی جمهوری اسلامی ایران، تحریم‌های متعددی ضمن برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران به این کشور تحمیل کرده است تا در جهت پایان دادن به توسعه موشکی خود گام بردارد.

بااین‌حال، باوجود آنکه این تحریم‌ها، مشکلاتی در جهت تأمین تجهیزات اولیه برای جمهوری اسلامی و برخی محدودیت‌ها به‌وجود آورد، اما این برنامه با اهداف طولانی‌مدت و به شکلی سریع رشد نموده است، تاجایی که ایران امروزه یکی از قدرت‌های برتر و بزرگ بین‌المللی در ساخت و توسعه تأسیسات موشکی است. تاجایی که براساس نظر کارشناسان غربی نیز استفاده ایران از دانش موشکی کره شمالی، عملاً پس از مدت‌ها تبادل اطلاعات کاهش یافته است. کارشناسان غربی ادعای خود را برای این امر در مقایسه برنامه‌های فضایی این دو کشور اعلام می‌نمایند. آنها معتقدند شکست آزمایش‌های فضایی کره شمالی و درمقابل موفقیت‌هایی که در برنامه فضایی ایران که از سال ۲۰۰۸ روی داد، دلیل روشنی برای این ادعاست (Taylor, 2009:10).



زمینه‌ها و ضرورت‌ها

هر نظام سیاسی نیاز دارد تا تهدیدات متوجه خود را از حیث اهمیت، دسته‌بندی کرده و بر مبنای اولویت آنها، نسبت به شناسایی ساختار درونی و جهت‌گیری‌های بیرونی آن اقدام نماید و سیاست‌های گوناگونی از جمله، سیاست دفاعی خود را شکل دهد. در واقع، سیاست دفاعی هر دولتی، واکنشی است به تهدیدات برخاسته از محیط و ویژگی‌های امنیتی و همچنین اشکال مختلف عینی و ذهنی آن بسته به اهداف، منافع، ارزش‌های اساسی و میزان قدرت آنها، گستره این تهدیدات نیز متفاوت هستند.

از آنجا که سیاست‌گذاران دفاعی هر کشوری باید پیشاپیش تهدیدات را شناسایی کرده و برای مقابله با آن برنامه‌ریزی دفاعی لازم را انجام دهند و در جهت دکترین نظامی کارآمد که بر اساس آن نیروهای نظامی و عناصر آن اقدامات خود را در جهت حمایت از اهداف ملی هدایت می‌کنند (Andress, 2014:53)، داشتن درک درستی از محیط امنیتی و ساختار قدرت و رقابت‌های موجود، بیشترین تأثیر را بر شکل‌دهی سیاست دفاعی دولت‌ها خواهند داشت که نتیجه آن اتخاذ سیاست‌های دفاعی و تقویت توان نظامی به‌منظور کسب توان راهبردی در جهت مقابله با تهدیدات فزاینده از جانب بازیگران تهدیدکننده امنیت ملی است. بر اساس چنین نگرشی، جمهوری اسلامی ایران موشک را به‌عنوان سلاحی مهم و راهبردی در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی بر اساس ضرورت‌های مختلف از جمله الزام ژئوپلیتیکی ناشی از موقعیت ایران، تجربه جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، لزوم بازدارندگی منطقه‌ای، همراهی با تحولات فناورانه بین‌المللی، قرارگیری در چرخه مسابقه تسلیحاتی به ساخت و توسعه صنایع موشکی پرداخته است، ضرورت‌هایی که در ذیل به بررسی و تحلیل هر کدام از این موارد پرداخته خواهد شد.

التزام ژئوپلیتیکی ناشی از موقعیت ایران

بدون تردید، یکی از متغیرهای مؤثر در شکل‌گیری خط‌مشی سیاست خارجی و همچنین مباحث راهبردی و سیاست دفاعی هر کشور، محیط منطقه‌ای و ابعاد مختلف آن است. امروزه نقش هر کشوری در سیاست جهانی تحت تأثیر عوامل ژئوپلیتیکی آن است. به‌گونه‌ای که از دیدگاه جغرافی‌دانان سیاسی، قدرت هر کشور به‌شدت از ژئوپلیتیک و موقعیت جغرافیایی آن تأثیر می‌پذیرد. ایران نیز با توجه به موقعیت جغرافیایی آن، وضعیت ژئوپلیتیک منحصر به فردی را داراست، این موقعیت، ایران را به کشوری بین‌المللی تبدیل کرده است که همواره در معادلات جهانی نقش برجسته‌ای به آن می‌دهد (خوجم لی،



۱۳۹۲: ۷۳). در واقع، چنین موقعیتی موجب شده است که سرزمین ایران، عرصه رقابت دولت‌ها در شرق و غرب به‌علت مطامع گوناگون سیاسی و اقتصادی شود و در طول تاریخ خود، به‌دلیل ضعف نظامی همواره با تهاجم اقوام بیگانه روبه‌رو بوده است.

از زمان تصرف جزیره هرمز در سال ۱۵۰۳ میلادی، توسط پرتغالی‌ها و پس‌از آن سرازیر شدن اروپاییان به آسیا، ایران مورد توجه دولت‌های غربی واقع شد، تاجایی که چنین موقعیتی باعث شد ایران به‌دلیل همجواری با هندوستان و واقع شدن در محور ژئوراهبردی دستیابی به هندوستان و همسایگی با روسیه که قدرت رقیب انگلستان به‌شمار می‌رفت و ایران را به‌عنوان محوری برای دستیابی به شبه قاره هند می‌دید، به‌شدت مورد توجه دو کشور روسیه و انگلستان واقع شود. در چنین شرایطی، به مدت دو قرن از یک‌طرف انگلستان، بر جنوب آسیا، خلیج فارس و جنوب ایران و از طرف دیگر، روسیه در شمال ایران حاکمیت خود را بر این کشور تثبیت کردند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۸: ۵۱).

نکته مهم آن است که ایران به‌دلیل موقعیت جغرافیایی خود هم‌زمان با توجه به خلأ قدرت و ضعف نظامی همواره مورد تجاوز دولت‌های متخاصم واقع شده است، تاجایی که در اوایل قرن نوزدهم روس‌ها به منطقه راهبردی قفقاز یورش بردند و با تحمیل دو قرارداد گلستان و ترکمانچای، تمام منطقه قفقاز را از ایران جدا ساختند. اما هم‌زمان با جنگ جهانی اول، به‌دلیل موقعیت ویژه ژئوپلیتیک و ژئوراهبردی ایران، این کشور مورد توجه دولت آلمان نیز واقع شد که ناشی از هدف راهبردی نظامی آلمان برای تبدیل شدن ایران به‌عنوان پایگاهی برای ضربه به متحدین بود. چنین موقعیت ژئوپلیتیکی مهمی باعث شد که انگلستان و روسیه تلاش کنند ایران را از دست ندهند و این کشور به محوری مهم برای تجاوز و درگیری میان دو طرف جنگ جهانی اول تبدیل شود.

در جنگ جهانی دوم نیز دستیابی به موقعیت ژئوپلیتیکی ایران تغییری نیافت و به‌دلیل مجاورت با هند، مرزهای جنوبی شوروی، ذخایر نفت قفقاز و دارا بودن نفت در منطقه خوزستان و خلیج فارس و همچنین قرار گرفتن میان دو منطقه عملیاتی متفقین، همچنان عرصه تاخت‌وتاز دولت‌های درگیر جنگ جهانی دوم شد. پس از جنگ جهانی دوم و وقوع رقابت‌های جهان دوقطبی، ایران همچنان کانون رقابت‌های سیاسی و اقتصادی قرار گرفت؛ اما این بار رویارویی میان آمریکا و شوروی از درگیری‌های بر سر موقعیت ایران به‌عنوان متحد آمریکا و براساس نظریه ریموند از موقعیت ویژه‌ای برخوردار شد و براساس این چارچوب نظری و سیاست‌های سد نفوذ آمریکا به دور شوروی به‌طور طبیعی رقابت‌هایی ایجاد نمود و کشورهای واقع در این منطقه را حساس ساخت (حافظ‌نیا، ۱۳۸۸: ۷۰-۵۸).

با پیروزی انقلاب اسامی و سقوط شاه، ایران که یکی از متحدین امریکا و غرب در منطقه بود، به نیرومندترین دشمن آنها در منطقه تبدیل شد و منافع آنها را آماج حملات تبلیغی خود قرارداد. از این رو، غرب از جانب ابعاد جدیدی از ژئوپلیتیک ایران احساس خطر می‌کند (فاضلی‌نیا، ۱۳۸۵: ۲۱). با این حال، با پایان جنگ سرد، باینکه خطر تهدید نظامی و ایدئولوژیک در شمال ایران از بین رفت و با وجود آنکه پایان جنگ سرد خطر شوروی را پایان داد و پیوندهای اقتصادی، سیاسی، نظامی - تسلیحاتی میان ایران و روسیه برقرار گشت، ولی نگرانی‌های جدیدی را در حوزه امنیت و منافع ملی برای ایران پدید آورد و دست رقبای قدرتمند ایران، یعنی امریکا و رژیم صهیونیستی را برای اعمال فشار بر ایران بازتر کرد که توسعه قلمرو و حوزه رقبای جهانی و منطقه‌ای در پیرامون ایران، افزایش جهات و منابع تهدید امنیت ملی و توسعه بحران‌های متعدد از آن جمله است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۸: ۷۳).

در چنین شرایطی باید بیان داشت که براساس تجارب تاریخی، درک بهتر از سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، نیازمند تحلیل دقیق مسائل ژئوپلیتیکی و ژئوراهبردی است. در واقع، چنین مسائلی می‌توانند مستقیماً بر امنیت ملی ایران تأثیر بگذارند و راهبرد دفاعی این کشور را شکل دهند. براساس این رویکرد منطقی، ایران به دلیل موقعیت ویژه خود، همانند گذشته تحت تأثیر امپال قدرتهای بزرگ قرار دارد و پیوسته امکان تعرض نظامی براساس این جایگاه وجود خواهد داشت. بنابراین، از آنجاکه خلأ قدرت و ضعف دفاعی ایران از عوامل دستیابی سریع تعرض‌کنندگان به ایران در طول تاریخ بوده است، دستیابی به قدرت نظامی ویژه می‌تواند مانع هرگونه مداخله و تهدید باشد. از این رو، هم‌اکنون قدرت نظامی ایران و توسعه صنایع موشکی با توجه به توانایی‌ها می‌توانند مانع چنین تعرض‌های سنتی به محیط ایران شوند و موقعیت ژئوپلیتیکی ایران به‌عنوان یکی از ضرورت‌های تئوریک برنامه موشکی ایران عنوان شود.

تجربه جنگ تحمیلی عراق علیه ایران

در ایران، با پیروزی انقلاب اسلامی، واقعیت‌های نوینی وارد صحنه‌های عملی و راهبردی این کشور شد و تحولات اساسی در سیاست خارجی شکل گرفت که به اتخاذ سیاست‌های متفاوت با سال‌های قبل منجر شد. به‌همین سبب، محیط امنیتی و به‌دنبال آن راهبرد ایران تغییر یافت و در راستای تحول در محیط داخلی و محیط پیرامونی آن، تهدیدات نوین این کشور شکل گرفت. جنگ تحمیلی ۸ ساله با عراق (۱۹۸۰-۱۹۸۸) و درگیری‌های ناشی از آن با ارتش امریکا در خلیج فارس، عمیقاً در شکل‌دادن به تفکر نظامی در ایران مؤثر بود.



هنگامی که ایران مورد تهاجم نظامی رژیم بعث عراق قرار گرفت، در طول این جنگ، امریکا در حمایت از عراق نه تنها باعث شد فروش تسلیحات نظامی به ایران تحریم شود، بلکه در میدان جنگ نیز از کمک نظامی و اطلاعاتی به عراق دریغ نمی‌کرد.

استفاده وسیع عراق از موشک‌های بالستیک، آسیب‌های فراوانی را به مناطق شهری ایران وارد آورد. حملات موشکی به شهرها که در فوریه و مارس ۱۹۸۸م آغاز و به جنگ شهرها کشیده شد، به آسیب‌های روانی زیادی به ایرانیان منجر شد. در این دوران، بیش از ۶۰۰ موشک بالستیک شلیک شد که شدیدترین دوره این مبادله در سال ۱۹۸۸م بود و طی آن تنها عراق حدود ۲۰۰ موشک به سمت شهرهای مهم ایران و به‌طور عمده پایتخت این کشور یعنی تهران پرتاب کرد (Cordeman 1999: 109) که باعث کشته‌شدن بیش از دو هزار نفر و مجروح‌شدن هشت هزار نفر و تخریب‌های گسترده شد. این حملات، وحشت فراگیری را میان مردم به‌وجود آورد و در اثر آن صدها هزار نفر از مردم شهرهای بزرگ، به‌ویژه تهران، این مناطق را به‌قصد نقاط امن‌تر ترک کردند. این خاطره تلخ، ضمن بیان فقدان یک سامانه دفاعی مؤثر و بازدارنده، کارایی سامانه‌های موشکی را نمایان‌تر ساخت (حسینی، ۱۳۸۲: ۱۲۲).

تحمل نزدیک به پنج سال حملات عراق به شهرهای ایران با موشک‌های فراگ - ۱۷ و اسکاد - بی ۲ و ناتوانی ایران در پاسخگویی مناسب به حملات موشکی عراق و فشار افکار عمومی از یک‌سو و افزایش تهدیدات منطقه‌ای از سوی دیگر، مقامات ایران را به رفع شکاف نظامی موجود از طریق دستیابی سریع به توان موشکی وادار کرد. این عوامل سبب شد، ایران به‌سوی واردات محدود موشک‌ها حرکت کند و باوجود آنکه در طول جنگ ایران هیچ‌گاه آغازگر حملات موشکی به غیرنظامیان نبود، مقامات ایران امیدوار بودند که حملات متقابل موشکی به عراق این کشور را از حمله به مراکز جمعیتی و غیرنظامیان بازدارد.

جنگ رژیم بعث عراق علیه ایران تأثیر عمیقی بر تفکرات مسئولین کشور گذاشت و اهمیت واقعی موشک و ضرورت وجود و تجهیز نیروهای دفاعی به آن را برای ایران روشن ساخت. جنگ به‌خوبی نشان داد که موشک‌های بالستیک می‌توانند نقش مؤثری داشته باشند و از آنجاکه موشک‌های بالستیک متحرک بوده و به‌آسانی قابل اختفا بودند و با اندک امکانات لجستیک آماده پرتاب می‌شدند، می‌توانستند در رفع کمبودهای فنی مهم باشند.

1. FROG-7
2. Scud - B



این تجربه به رهبران سیاسی و نظامی نشان داد، محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های موجود در معاهدات بین‌المللی در زمینه استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی و منع استفاده از ابزارهای نظامی علیه شهروندان غیرنظامی، مانع از استفاده رژیم بعث عراق از این سلاح‌ها نشده و جامعه بین‌الملل نیز اقدام جدی در این خصوص انجام نداده است.

بنابراین، شرایط پس از جنگ و در شرایط وضع تحریم‌های متنوع علیه رشد توانمندی‌های نظامی جمهوری اسلامی ایران، همچنین در وضعیتی که امکان چندانی برای تقویت نیروی هوایی و خرید هواپیماهای مدرن وجود نداشت، برخورداری از توان موشکی پیشرفته مبتنی بر فناوری داخلی می‌توانست موازنه لازم را برای قدرت نظامی ایران ایجاد کند. از این رو و از آنجاکه ایران بعد از جنگ به لحاظ موازنه تجهیزات نظامی در جایگاه پایین‌تری نسبت به همسایگان خود قرار داشت و در اواخر جنگ برتری هوایی کاملاً به نفع رقبای منطقه‌ای ایران بود، جمهوری اسلامی ایران با پایان جنگ تحمیلی و پس از وقوع جنگ‌های بزرگ در محیط پیرامونی خود، نسبت به مفهوم جنگ آینده و نظریه‌پردازی در این خصوص حساسیت نشان داد. به همین دلیل، نوع رویکرد کشور به مفهوم جنگ آینده نقش بسزایی در جهت‌گیری‌های کلان دفاعی و امنیتی ایفا نمود. با این تأکید که روندهای آینده نامعلوم و نامطمئن و در عین حال، استنتاج تهدید مشخص و عینی امری کاملاً دشوار است (مؤمن‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۵۱)؛ بنابراین، ضرورت ساخت و توسعه توانایی‌های موشکی از این حیث از اهمیت بالایی برخوردار شد.

لزوم بازدارندگی منطقه‌ای

جمهوری اسلامی ایران به واسطه قرار گرفتن در غرب آسیا هیچ‌گاه از بحث چگونگی تأمین امنیت خود فارغ نبوده است و همواره با مخاطره‌ها، چالش‌ها و تحولاتی عمده در محیط امنیتی خود روبه‌روست و در معرض تهدیدهای مختلف قرار دارد. از این رو همواره تلاش نموده است با ساخت انواع جنگ‌افزار، همچون تسلیحات موشکی در مقابل هرگونه تهدیدی واکنش نشان دهد و جنبه‌های مقابله‌ای خود را حفظ نماید. اقدامی که براساس تجربه‌های تاریخی و عوامل و تهدیداتی است که همواره از جانب برخی از رژیم‌های منطقه‌ای احساس می‌شود.

درواقع، از آنجاکه در مورد کشوری مانند ایران که از نظر دسترسی به فناوری‌های پیشرفته نظامی و بازار تسلیحات با محدودیت‌های بسیاری روبه‌روست و در عین حال از سوی دشمنی پرتوان تهدید می‌شود و باتوجه به فشار زمانی برای آمادگی در برابر یک رویارویی احتمالی، بازدارندگی به وسیله موشک، یک اولویت راهبردی تلقی می‌شود؛ در شرایط موجود،



موشک‌ها واجد امتیازاتی هستند که به سبب آنها کشور دارنده می‌تواند با صرف هزینه کم‌تر و در زمانی کوتاه‌تر به قابلیت بازدارندگی بهتری دست یابد (قوام ملکی، ۱۳۹۰: ۲) و بنا بر تعریفی دیگر، موشک‌ها به‌عنوان جزء راهبردی بازدارندگی نظامی اساساً بازدارنده‌اند.

از این‌رو، به‌دلیل تهدیدات محتمل از جانب رژیم صهیونیستی، حضور ناتو در منطقه و یا استقرار انواع موشک‌های بالستیک و دفاع موشکی که نمونه بارز آن در شورای همکاری خلیج‌فارس قابل شناسایی است و می‌تواند از عوامل مهم تهدید امنیت ملی ایران از جانب بازیگران منطقه‌ای باشد، یکی از راهبردهای جمهوری اسلامی ایران برای ایجاد بازدارندگی منطقه‌ای، تجهیز به تسلیحات مدرن بود که یکی از این جنگ‌افزارها انواع موشک‌ها هستند تا شرایط ایجاد بازدارندگی به‌عنوان تسلیحاتی را که منجر به ترس از تجاوز می‌شوند، در مقابل تهدیدات فراهم نمایند و دولت‌های دیگر را از اقدامات نظامی به‌منظور پرهزینه نشان دادن آن اقدامات بازدارند و دشمنان خود را راضی کند که قادر به پاسخگویی به هرگونه عملیات تهاجمی علیه خود است.

درواقع، اکنون ایران متوجه تهدیدات گوناگونی در محیط خود است و در این راه بر توان موشکی خود برای پاسخگویی به تهدیدات منطقه‌ای متکی است و آن را عامل مهمی در دستیابی به مقصود تلقی و از آن برای غلبه بر تهدیدات استفاده می‌کند. باید توجه داشت، ایران همان‌گونه که ذکر شد، امنیت خود را در مقابل برخی از تحرکات منطقه‌ای درخطر می‌بیند و در محیطی قرار گرفته است که جنگ‌افزارهای اتمی در دست تعداد محدودی از کشورهای منطقه قرار گرفته است و دائماً بر تعداد کمی و کیفی شمار موشک‌های بالستیک در منطقه افزوده می‌شود. در چنین محیطی، اختلافات متعدد با آمریکا و حضور گسترده آن در منطقه با انواع تجهیزات نظامی در خلیج‌فارس و تهدیدات پی‌درپی این کشور به حمله نظامی به ایران، موشک‌ها می‌توانند سلاحی بسیار مهم برای پاسخگویی قاطع به منافع و هم‌پیمانان آمریکا در منطقه باشند و از این‌رو ایران از این سلاح به‌عنوان اهرمی بازدارنده بهره می‌برد.

علاوه بر آن، تناقضات میان ایران و رژیم صهیونیستی بر سر ماهیت وجودی و اقدامات این رژیم در منطقه، منجر به آن شده است که رژیم صهیونیستی تهدیدات متعدد نظامی علیه ایران انجام دهد. درواقع، از آنجاکه مرز مشترکی میان این دو واحد سیاسی وجود ندارد، موشک‌ها فاصله موجود را کم‌رنگ نموده و می‌توانند پاسخی قاطع از جانب ایران به رژیم صهیونیستی باشند. برای مثال، بازدارندگی ایران علیه رژیم صهیونیستی، بیشتر برای بازداشتن این رژیم از حمله بی‌پروا به تأسیسات هسته‌ای و نیروگاه‌های ایران است. این موشک‌ها درنهایت می‌توانند در صورت وقوع چنین حمله احتمالی به‌کار گرفته شوند و به

ایران در برابر رژیم صهیونیستی بازدارندگی از طریق تهدید به تنبیه بدهند. ایران سعی دارد که به این ترتیب بر نحوه تصمیم‌گیری سران رژیم صهیونیستی اثر بگذارد و آنها را متقاعد نماید که حمله به ایران برای آنها پرهزینه خواهد بود. به‌ویژه که ایران با موشک‌های کوتاه برد و برد متوسط خود قادر به تلافی است (قوام ملکی، ۱۳۹۰: ۱۱۲). از این رو، موشک‌ها به‌عنوان اهرمی مهم در راهبرد بازدارندگی دفاعی ایران نقش ایفا می‌کنند و همواره به‌عنوان جزء جدایی‌ناپذیر ضرورت‌های دفاعی ایران عمل می‌نمایند.

همراهی با تحولات فناورانه نظامی بین‌المللی

تا قبل از ۱۹۷۹م. آمریکا از صادرکنندگان عمده تجهیزات نظامی به ایران به‌شمار می‌رفت، در طی این مدت ایران قادر به خرید پیچیده‌ترین سلاح‌های متعارف موجود در آن زمان بود. در واقع، سازمان نظامی ایران در زمان پهلوی دوم با استفاده از روش‌ها و تسلیحات نظامی آمریکا شکل می‌گرفت و به‌روز می‌شد که این امر به دلیل همکاری‌های گسترده با ایران در منطقه و به‌عنوان متحد راهبردی آمریکا در غرب آسیا عملی می‌شد. تا پیش از انقلاب، ایران بزرگ‌ترین و پیشرفته‌ترین تسلیحات در غرب آسیا را دارا بود و بیش از ۴۰۰ هواپیمای مدرن جنگی تنها بخشی از تجهیزات نظامی ایران را تشکیل می‌داد. حتی براساس برخی از شواهد ایران تا پیش از انقلاب همکاری‌هایی با رژیم صهیونیستی برای توسعه یک سامانه کوتاه‌برد موشکی انجام داده است که البته مانند توافقات پیشین نظامی رژیم پهلوی با کشورهای مختلف، این اقدامات پس از انقلاب اسلامی ایران لغو شد (Elleman, 2016:2).

اما اتفاقاتی که منجر به قطع روابط با آمریکا شد و مسائلی که به کاهش و یا عدم روابط دیپلماتیک با کشورهای اروپایی دامن زد و همچنین عدم پذیرش مشروعیت رژیم صهیونیستی به‌عنوان رژیم اشغالگر قدس، قابلیت‌های تسلیحاتی ایران پس از انقلاب اسلامی و وقوع هشت سال جنگ تحمیلی با مشکلات دسترسی به قطعات یدکی، تعمیر و نگهداری و تسلیحات پیشرفته مواجه شد. اعمال تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا علیه ایران بر این مشکلات شدت بخشید و منجر شد که این کشور از بازسازی و روزآمد گردانی سامانه‌ها و تسلیحات نظامی خود بازماند. در نتیجه، ارتش ایران و از جمله آن نیروی هوایی این کشور صدمات فراوانی دید و قابلیت‌های تسلیحاتی ایران هم‌زمان با پایان جنگ هشت‌ساله به شدت کاهش یافت (Cordesman and atc, 2014:8).

در چنین شرایطی، از آنجاکه فناوری‌های نظامی از عوامل مهم و تأثیرگذار در روابط بین‌الملل است و راهبردهای نظامی کشورها تا حد زیادی براساس آن شکل می‌گیرند، برای

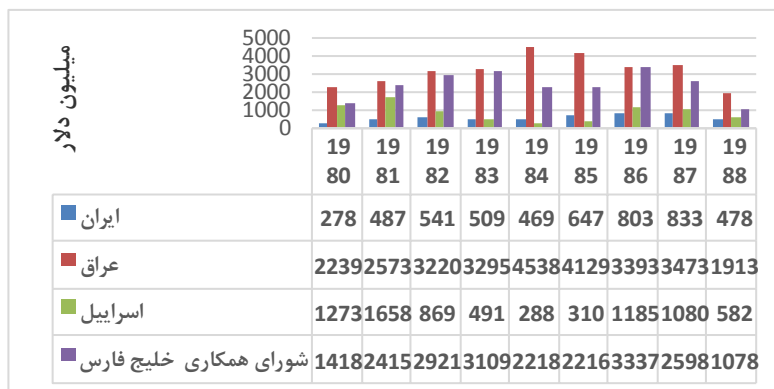


کشورهایی نظیر ایران که به‌دنبال دستیابی به فناوری مناسب نظامی در عرصه بین‌المللی هستند و درمقابل با ممنوعیت دانش و انتقال فناوری و یا حتی واردات تسلیحات راهبردی مواجه بوده‌اند، تلاش و دستیابی به فناوری ساخت و تسلیحات موشکی به‌صورت واقع‌بینانه بسیار مناسب به‌نظر می‌رسد، زیرا در مقایسه با فناوری و ساخت سامانه‌های پیچیده همچون هواپیماهای جنگنده در شرایط تحریمی و به‌دلیل فناوری‌های ساخت و دستیابی به آن ممکن‌تر بود و هم منجر به آن می‌شد که ایران به تسلیحاتی دست یابد که بنابر تجربه تاریخی قابلیت جنگ نامتقارن را گسترش می‌دهند و هم در تحولات فناورانه نظامی به سلاحي مهم و راهبردی به خودکفایی برسد.

درواقع، مزیت موشک‌ها این است که علاوه‌بر هزینه پایین و دقت مناسب برای کشورهایی که توانایی‌شان در مورد دستیابی و نگهداری و استفاده از نیروی هوایی محدود است، بسیار به‌صرفه است و برای کشورهایی که از نیروهای متعارف قدرتمندی برخوردار نیستند، ساخت موشک‌های بالستیک این امکان را فراهم می‌کنند که در عرصه نظامی هم از قدرت راهبردی برخوردار شوند و هم در این عرصه از فناوری نظامی بین‌المللی عقب نباشند. بنابراین، برای ایران چنین فناوری مهم تسلیحاتی منجر به آن شد که از وابستگی به خارج و ممنوعیت دسترسی به تسلیحات پیشرفته، در شرایط تحریم جلوگیری شود، نیازهای ایران برای مقابله رفع شود و همچنین نمادی حیاتی برای رقابت فناورانه در عرصه بین‌المللی باشد. از این‌رو، ایران در عرصه تحقیق و توسعه انواع موشک‌ها گام برداشت تاجایی که امروزه از قدرت‌های مهم موشکی در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی است.

قرارگیری در چرخه مسابقه تسلیحاتی

در سال‌های پس از انقلاب ایران و در زمان جنگ تحمیلی، با توجه به اعلام مؤسسه تحقیقات صلح استکهلم^۱ به‌دلیل وجود شواهد آماری گسترده، رقابتی منطقه‌ای ایران، در طول جنگ و همچنین بعد از آن با عقد قراردادهای گسترده نظامی توانستند تسلیحات و هواپیماهای نظامی پیشرفته‌ای را خریداری کنند که در این بین، کشورهای شورای همکاری خلیج‌فارس، رژیم صهیونیستی و همچنین عراق که مستقیماً از دولت‌های عرب منطقه کمک‌های مالی و نظامی دریافت می‌کرد از این قاعده مستثنا نبودند و بیشترین واردات تسلیحات را به‌خود اختصاص دادند، به‌نحوی که در سال‌های جنگ در مجموع به‌ترتیب، عراق در رتبه اول، شورای همکاری خلیج‌فارس دوم، رژیم صهیونیستی سوم و ایران در آخر قرار داشت (نمودار ۱).



نمودار ۱: هزینه واردات تسلیحات ۱۹۸۰-۱۹۸۸

Source: sipri.databases2017

چنین شرایط و تهدیدات جدی باعث شد، جمهوری اسلامی ایران که از سوی آمریکا تحریم شده بود، تلاش نماید برای جبران کمبودها و نواقص به وجود آمده، به طرف نیروها و کشورهای دیگری روی آورد که به دلیل عوامل متعدد سیاسی، نظامی و ایدئولوژیک حاضر بودند با ایران و اغلب پنهانی همکاری کنند. اما پس از این دوران و از آنجا که ایران تلاش می کرد به افزایش ظرفیت نظامی متأثر از تهدیدات واقعی و هم تبدیل شدن به یک قدرت در منطقه اقدام نماید، این تلاش مستلزم توسعه نیروهای مسلح کارا و مؤثر برای رویارویی با هرگونه تهاجم و ظرفیت بازداشتن عمده تهدیدات از جانب برخی منابع تهدید امنیت ملی چون آمریکا و رژیم صهیونیستی بود. از آنجا که در حال حاضر، نیروهای مسلحی در جهان حرفی برای گفتن دارند که به پیشرفته ترین موشک ها مسلح باشند (رضوانی و دیگران، ۱۳۹۴: ۲۶)، دستیابی به فناوری و همچنین ساخت جنگ افزارهایی چون انواع موشک ها در داخل و خودکفایی در دانش تولید می توانست ایران را در چرخه مسابقات تسلیحاتی که در منطقه به وجود آمده است، قرار دهد و مانع از آن شود که در سطح بین المللی و واردات عظیم تسلیحاتی در منطقه دست عقب را داشته باشد و نتواند در این عرصه نیازهای خود را برطرف نماید.

شرایط بین المللی و منطقه ای زمانی تلاش های جمهوری اسلامی ایران را برای ضرورت ساخت موشک به عنوان سلاحی مهم در چرخه مسابقات تسلیحاتی روشن تر می نماید که کشورهای تهدیدکننده عمده ایران یعنی آمریکا و رژیم صهیونیستی خود از صادرکنندگان عمده تسلیحات نظامی در سطح بین المللی می باشند، به نحوی که در دهه کنونی آمریکا با



صادرات ۱۳۱/۰۴۷ میلیون دلار در رتبه نخست و رژیم صهیونیستی با صادرات ۹،۵۷۷ میلیون دلار در رتبه هشتم قرار دارند (Sipri.Database2017).

در همین دوره نیز، واردات تسلیحات به غرب آسیا ۸۶٪ بین سال‌های ۲۰۰۷-۲۰۱۱ و ۲۰۱۶-۲۰۱۲ افزایش یافته است. بررسی این آمارها به‌ویژه روشن می‌نماید که سهم کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به‌وضوح بیشتر از سایر کشورهای غرب آسیا است. برای نمونه، در طول سال‌های ۲۰۱۶-۲۰۱۲، ۲۸٪ از تسلیحات وارد شده به منطقه سهم عربستان سعودی و کشور بعدی در این رده امارات متحده عربی است که سهم ۱۶٪ را به‌خود اختصاص داده است. عربستان در طول سال‌های ۲۰۱۶-۲۰۱۲ با افزایش ۲۱۲٪ و امارات متحده عربی ۶۳٪، قطر ۲۴۵٪، کویت ۱۷۵٪ هزینه‌های دفاعی خود را نسبت به دوره مشابه ۲۰۰۷-۲۰۱۱ گسترش بخشیده‌اند (Sipri.Database2017).

درواقع در شرایطی که رژیم صهیونیستی از کشورهای صادرکننده بزرگ در سطح بین‌المللی است و در موقعیتی که کشورهای منطقه نیازهای نظامی خود را چون پیشرفته‌ترین سامانه‌های هواپیمایی و راداری و موشکی از خارج تأمین می‌نمایند، ایران برای پاسخگویی به نیازهای راهبردی نظامی خود در داخل همواره سعی نموده است که براساس محدودیت‌های عمده آن را با ساخت انبوه انواع موشک رفع نماید. از این‌رو، نمونه‌های توسعه‌یافته موشک‌های ایران این امکان را می‌داد که نیازهای خود را در مسابقات تسلیحاتی که به‌وجود آمده است، به‌وسیله تحقیق و توسعه هرچه‌بیشتر موشک‌ها پیگیری نماید و قدرت نظامی مناسب با تهدیدات را فراهم آورد.

اهداف برنامه موشکی جمهوری اسلامی ایران

راهبرد دفاعی هر کشوری، پاسخی به تهدیدات منطقه‌ای و بین‌المللی محسوب می‌شود. محیط پیرامونی، الزامات و محدودیت‌هایی برای بازیگری هر واحد سیاسی پدید می‌آورد. بازیگران باید درمورد شناخت آنها اقدام نمایند تا به‌گونه بهینه‌ای منافع ملی خود را تأمین کنند. هر کشوری با توجه به میزان آسیب‌پذیری ژئوپلیتیک منطقه، ضریب امنیتی منطقه‌ای و محیط پیرامونی و فرای پیرامونی خود، سطحی از اقدام‌های پدافندی درقبال تهدیدهای دشمنان را به‌عنوان یک ضرورت و الزام اجتناب‌ناپذیر در دستور کار قرار می‌دهد. در واقع، راهبرد دفاعی، یکی از ارکان مهم و زیرمجموعه راهبرد ملی یک کشور است و ذیل سیاست‌های کلان دفاعی و امنیتی قرار می‌گیرد. از این‌رو، می‌توان راهبرد دفاعی را علم و هنر به‌کارگیری همه قدرت کشور در جهت مقابله با تهدید یا تهدیدات امنیت ملی دانست (نوروزی، ۱۳۸۵: ۱۰۰).

براساس سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ و همچنین در برنامه‌های توسعه‌ای کشور، منافع ملی جمهوری اسلامی ایران در حوزه‌های امنیتی و دفاعی بدین شرح و براساس اصل بازدارندگی عنوان شده است:

«خواستار کشوری امن، مستقل و مقتدر با سازمان دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه‌جانبه و پیوستگی مردم و حکومت». در قانون برنامه چهارم توسعه، ابلاغیه مقام معظم رهبری و در سرفصل امور سیاسی، دفاعی و امنیتی «ارتقای توان دفاعی نیروهای مسلح برای بازدارندگی، ابتکار عمل و مقابله مؤثر در برابر تهدیدها و حفاظت از منافع ملی و انقلاب اسلامی و منابع حیاتی کشور» و در فصل هفتم سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه، در ماده ۱۷۵ اعلام شده که وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح موظف است به‌منظور ارتقای توانمندی‌های دفاعی و قدرت بازدارندگی به‌منظور دفاع از حاکمیت، تمامیت ارضی، منافع و امنیت ملی و مقابله مؤثر با تهدیدهای خارجی براساس اصول مطروحه اقدام نماید. در برنامه ششم توسعه نیز مانند گذشته عیناً بر ارتقای توان بازدارندگی کشور تأکید شده است که توسعه توان موشکی و فناوری‌ها و ظرفیت تولید سلاح‌ها و تجهیزات عمده دفاعی برترساز با توان بازدارندگی و متناسب با انواع تهدیدات یکی از ابزارهای دسترسی آن مطرح شده است.

درواقع، باید عنوان کرد که براساس سیاست‌های عالی دفاعی ایران و براساس رویکردهای قانونی، هدف کلی از سیاست‌های دفاعی و امنیتی ایران، بازدارندگی است و بازدارندگی پایه راهبردهای دفاعی ایران قرار می‌گیرد. باید گفت که بازدارندگی به‌عنوان یک هدف، عبارت است از مجموعه اقداماتی که برای پیشگیری از اقدامات خصمانه صورت می‌گیرد و راهبردی برای جنگیدن نیست، بلکه راهبردی برای حفظ وضع موجود، به‌انفعال‌کشاندن کشور هدف و سرانجام دستیابی به صلح و استقرار آن است و به‌منظور متقاعدکردن طرف مقابل طرح می‌شود تا به وی ثابت کند که میان داده‌های ممکن، تجاوز کم‌ترین اثر را دارد. لازم به ذکر است که بازدارندگی، دشمن را از نظر فیزیکی دفع نمی‌کند، بلکه از نظر روانی از تجاوز او جلوگیری می‌نماید، البته مبالغه بدون اعتبار، از راهبرد بازدارندگی بسیار دور است و چنانچه طرف مقابل توخالی بودن آن را کشف کند، ممکن است تأثیر معکوس داشته باشد (کالینز، ۱۳۸۳: ۱۶۳-۱۶۱).

براساس تعاریف بازدارندگی و براساس ضرورت‌های تحلیل‌شده برنامه موشکی ایران، نگاهی به چیدمان و آرایش صنایع نظامی ایران در زمینه توسعه و ساخت انواع موشک و سامانه‌های موشکی پدافندی، نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی ایران، باتکیه بر صنایع



موشکی خود دنبال ابزاری قدرتمند بوده که از تجاوز دشمن جلوگیری نماید و در صورت هرگونه تجاوز پاسخ مناسب و قاطع را به آن بدهد. درواقع، موشک‌های بالستیک به‌عنوان مرکز موضع و هدف بازدارندگی ایران قابل شناسایی هستند، زیرا دشمن مطمئن خواهد بود که در صورت هرگونه حمله نظامی، با پاسخ موشکی گسترده روبه‌رو می‌شود.

باتوجه به این واقعیت، به اعتقاد کارشناسان غربی، ایران حتی اگر هواپیماهای نظامی جدید و پیشرفته را در آینده به‌دست آورد، موشک‌های بالستیک به نقش برجسته خود در ساختار دفاعی ایران و به‌دلیل نقش بازدارنده ادامه خواهند داد (Elleman, 2016:2). درواقع، براساس اصل بازدارندگی به‌عنوان هدف صنایع موشکی ایران و تأکید این کشور بر موشک‌های خود و استفاده از موشک‌های مختلف به شکل بارشی برای درهم‌شکستن سامانه دفاع موشکی، منجر به این شده که موشک‌های ایران تأثیر روانی ویژه‌ای داشته باشند و عاملی برای بازدارندگی مؤثر شوند و ضعف در نیروی هوایی این کشور را به میزان زیادی جبران کنند (Cordesman, 2014:92).

نتیجه‌گیری

در چند دهه گذشته، تحولات مهمی در سیاست‌های دفاعی و امنیتی در ساختار آنارشیک بین‌المللی ایجاد شده است که بخش مهمی از آن تلاش در زمینه سرمایه‌گذاری‌ها برای افزایش قابلیت‌ها و توانایی‌های موشکی بوده است. این سرمایه‌گذاری‌های گسترده برای تقویت هرچه بیشتر پایه‌های امنیتی و نظامی برای حصول برتری بی‌چون‌وچرا انجام می‌شود که گسترش کمی و تقویت کیفی آن به‌عنوان ابزاری در راستای دستیابی به اهداف راهبردی، ایدئولوژیک و ژئوپلیتیک بوده است.

در محیط پرآشوب غرب آسیا، با نگاهی به روابط خارجی ایران، ملاحظه می‌شود که این کشور به‌دلیل داشتن موقعیت مهم و دارا بودن نقش حیاتی، جایگاهی اساسی در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی دارد و در طول تاریخ با چالش‌های امنیت ملی روبه‌رو بوده است. باتوجه به اینکه در دوران قبل از انقلاب اسلامی ایران، این کشور در شمار متحدان غرب قرار داشت، وقوع انقلاب باعث شد که یک قدرت مهم منطقه‌ای یعنی ایران از این اتحاد خارج شود و موقعیت ایران به‌عنوان بازیگر منطقه‌ای چالش‌گر در منطقه دیده شود و دگرگونی‌های ژئوپلیتیک متعددی را فراهم کند.

از این رو، از آنجاکه بخشی از چالش‌های مهم ایران، نگرانی‌ها و تهدیدات در حوزه نظامی هستند، جمهوری اسلامی ایران براساس واقعیت‌ها و محدودیت‌های موجود و از آنجاکه این کشور در شرایط پس از انقلاب با تحریم‌های بین‌المللی روبه‌رو شد، با اتکا بر راهبرد

خوداتکایی درصدد تولید بومی تسلیحات مدرن برآمد. در این میان، موشک تنها سلاحی بود که می‌توانست باتوجه به ماهیت تهدیدات و امکانات و شرایط ایران و تجربه‌های به‌دست‌آمده، قدرت لازم را برای جمهوری اسلامی ایران فراهم کند. لذا پژوهش حاضر در راستای پاسخ به چرایی انتخاب موشک و زمینه‌ها، ضرورت‌ها و اهداف راهبردی موشکی جمهوری اسلامی ایران از توسعه برنامه موشکی انجام شد.

استدلال اصلی این مقاله بر این مبنا قرار گرفت که زمینه‌ها و ضرورت‌های برنامه موشکی ایران از التزام ژئوپلیتیکی ناشی از موقعیت جغرافیایی ایران، تجربه جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، لزوم بازدارندگی منطقه‌ای، همراهی با تحولات فناورانه نظامی بین‌المللی و عقب‌نماندن در چرخه مسابقه تسلیحاتی ناشی شده است که ذیل هدف کلی بازدارندگی، ایجاد و توسعه یافته‌اند. التزام ژئوپلیتیکی ناشی از موقعیت جغرافیایی ایران به این اشاره دارد که موقعیت ایران باعث شده در طول تاریخ براساس منافع بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی عرصه تاخت‌وتاز باشد. موقعیت ویژه ایران از لحاظ ژئوراهبردی و ژئواکونومیک به‌خصوص در عصر حاضر به‌خاطر منابع غنی انرژی باعث شده است که همواره مورد طمع قدرت‌های بزرگ باشد. براساس واقعیات تاریخی در این راه، ضعف نظامی همواره از دلایل تجاوز دیگر دولت‌ها به این کشور بوده و هر زمان که اقتدار کافی برای مقابله با تجاوز و تهدید وجود نداشته است، سرزمین ایران مورد هجوم واقع و صدمات فراوانی وارد شده است. لذا توانایی نظامی و از جمله قدرت موشکی به‌خوبی امکان دفع تجاوز را فراهم کرده و بازدارندگی لازم را ایجاد می‌نماید.

ضرورت دیگر برنامه موشکی ایران براساس تجربه جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق قابل تحلیل است. تجربه جنگ تحمیلی عراق و حملات موشکی این کشور به ایران، این واقعیت را وارد سیاست‌های دفاعی ایران نمود که موشک‌ها می‌توانند نقش مهم و سرنوشت‌سازی را در جنگ‌ها بازی کنند و در یک بازه زمانی کوتاه نتایج تعیین‌کننده‌ای داشته باشند و به‌عنوان اهرم فشاری محکم در جهت پایان‌بخشیدن به جنگ عمل نمایند. لزوم بازدارندگی منطقه‌ای نیز از ضرورت‌های مهم برنامه موشکی ایران است که برای جلوگیری از هرگونه تجاوز از سوی دشمنانی چون رژیم صهیونیستی و آمریکا مورد بررسی قرار گرفت. در واقع، موشک‌ها از جمله سلاح‌های بازدارنده‌ای هستند که به تجاوزگران این واقعیت را نشان می‌دهند که در صورت جنگ، منافع آنها در نقاط مختلف مورد حمله قرار خواهد گرفت. بنابراین، این عامل می‌تواند از اقدام به هرگونه تجاوز جلوگیری نماید.

همراهی با تحولات فناورانه بین‌المللی نیز به‌عنوان یکی از ضرورت‌های برنامه موشکی ایران مورد تحلیل واقع شد. در واقع ایران که پس انقلاب به‌دلیل تحریم‌های به‌وجودآمده از



واردات تسلیحات راهبردی منع شده بود و از آنجاکه برای حفظ جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی خود، نیازمند تجهیزات نوین نظامی بود، براساس توانایی‌ها و محدودیت‌های موجود، توسعه موشکی می‌توانست ایران را با تحولات فناورانه بین‌المللی همگام نماید و این موضوع به‌عنوان ضرورتی اساسی در توسعه برنامه موشکی ایران محسوب می‌شود. مورد آخر در ارتباط با ضرورت برنامه موشکی ایران، قرارگیری در چارچوب مسابقات تسلیحاتی است. در واقع، از آنجاکه در شرایط تحریم‌های تسلیحاتی ایران، همسایگان و دشمنان بالقوه جمهوری اسلامی در پی ساخت و عمدتاً در حال واردات گسترده انواع تسلیحات مدرن و به‌روز هستند، موشک‌ها و ساخت آنها در داخل کشور، توانست ایران را در چرخه مسابقات تسلیحاتی به‌وجودآمده قرار دهد و از عقب‌ماندگی تسلیحاتی ایران جلوگیری نماید.

در پایان، نکته مهمی که در خصوص اهداف نظامی ایران در زمینه توسعه صنایع موشکی قابل توجه است، مبتنی‌بودن آن بر دفاع و بازدارندگی به‌جای تجاوز است که حفاظت از تمامیت ارضی و منافع ملی براساس ساختار قانونی کشور را به‌جای تعدی به دیگر کشورها هدف اساسی خود قرار داده است. از این‌رو، این راهبرد که متکی بر عنصر دفاعی و مشخصاتی همچون توان بازدارندگی موشکی است، به‌عنوان هدف اصلی و مهم و راهبرد توسعه موشکی ایران تعیین شده و تاکنون نیز در بازداشتن دشمنان از هرگونه اقدام تحریک‌آمیز، مؤثر بوده است.

منابع

- پورآخوندی، نادر (۱۳۹۲)، راهبرد توسعه موشکی جمهوری اسلامی ایران، پژوهشنامه دفاع مقدس، سال دوم، شماره هشتم: ۱۸۷-۱۶۹.
- جکسون، رابرت و گئورگ سورنسون (۱۳۹۱)، در آمدی بر روابط بین‌الملل، ترجمه مهدی ذاکریان، احمد تقی‌زاده و حسن سعیدکلاهی، تهران: نشر میزان.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۲)، جغرافیای سیاسی ایران، تهران: سمت.
- حسینی، مختار (۱۳۸۲)، سیاست‌های تسلیحاتی در منطقه خاورمیانه، مطالعات دفاعی و امنیتی، شماره سی و پنجم: ۱۳۸-۱۱۱.
- خوجم لی، عبدالوهاب (۱۳۹۲)، تبیین موقعیت ژئوپلیتیک ایران، فصلنامه تخصصی مطالعات دفاع مقدس، سال دوازدهم، شماره چهل و چهارم: ۸۶-۷۱.

- رضوانی، حسین و دیگران (۱۳۹۴)، تعیین محتمل‌ترین مسیر حرکت موشک‌های کروز براساس الگوریتم‌های مسیریابی، **فصلنامه علوم و فنون نظامی**، سال یازدهم، شماره سی‌ودو: ۵۱-۲۵.
- عبداله‌خانی، علی (۱۳۸۹)، **نظریه‌های امنیت**، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- فاضلی‌نیا، نفیسه (۱۳۸۵)، ژئوپلیتیک شیعه و مسئله امنیت ملی ایران، **فصلنامه شیعه‌شناسی**، سال چهارم، شماره سیزدهم: ۲۱-۳.
- قوام‌ملکی، حمیدرضا (۱۳۹۰)، نقش موشک‌ها در راهبرد بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران، **فصلنامه رهنامه سیاست‌گذاری**، سال دوم، شماره سوم: ۹۷-۱۱۷.
- کالینز، جان ام. (۱۳۸۳)، **استراتژی بزرگ: اصول و رویه‌ها**، ترجمه کورش باینسدر، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- مؤمن‌زاده، رضا (۱۳۹۲)، بازدارندگی دفاعی جدید جمهوری اسلامی ایران، **پژوهشنامه دفاع مقدس**، سال دوم شماره هفتم: ۱۴۷-۱۸۱.
- نوروزی، محمدتقی (۱۳۸۵)، **فرهنگ دفاعی - امنیتی**، تهران: انتشارات سنا.
- ویلیامز، پل دی (۱۳۹۲)، **درآمدی بر بررسی‌های امنیت**، ترجمه علی‌رضا طیب، تهران: امیرکبیر.
- Andress, Jason (2014) «Cyber Doctrine», **Cyber Warfare** (Second Edition), Chapter 4, Steve Winterfeld, Techniques, Tactics and Tools for Security Practitioners, June, pp: 53-82
- Copeland, Dale C. (2000) «The Constructivist Challenge to Structural Realism: A Review Essay», **International Security**, Vol.25, No. 2, fall: 187-212.
- Cordesman, A. H. (1999) **The Military Balance in the Middle East: An Executive Summary**, New York: Institute on Global Conflict and Cooperation University of California.
- Cordesman, A. H. (2014) **Iran's Rocket and Missile Forces and Strategic Options**, Washington: Center for Strategic & International Studies.
- Elleman, Michael (2016) «Statement of Mr. Michael Elleman Iran's Ballistic Missile Program Before the U.S. Senate Committee on Banking, Housing, and Urban Affairs», Retrieved JUN15, 2017, Available at: https://www.banking.senate.gov/public/_cache/files/f64d023a-d6fc-4dc4-84a7-ea10ba8192cf/90DC029490361D182584B92FCAD76111.052416-elleman-testimony.pdf.



- Mearsheimer, John J. (2001) **The Tragedy of Great Power Politics**, New York: W.W. Norton.
- SIPRI (2017) «SIPRI Military Expenditure Database», Retrieved August 11, 2017, Available at: <https://www.sipri.org/databases/milex>
- Taylor, Claire (2009), “Iran: Conventional Military Capabilities” **International Affairs and Defence Section**, Retrieved JUN 26, 2017, Available at: [file:///C:/Users/javid/Downloads/SN04264%20\(2\).pdf](file:///C:/Users/javid/Downloads/SN04264%20(2).pdf)
- Walt, Stephen M. (2002) «The enduring relevance of the realist tradition , »In *Political Science: State of the Discipline*, by Ira Katznelson and Helen V. Milner (eds), New York: W.W. Norton, pp: 197-230.
- Steven A. Hildreth (2012), «Iran’s Ballistic Missile and Space Launch Programs», **Congressional Research Service**, Retrieved December 6, 2017, Available at: <https://fas.org/sgp/crs/nuke/R42849.pdf>
- Waltz, Kenneth. 1979. *Theory of International politics*, University of California, Berkeley.
- Wohlforth, William C. (2008) , *Realism and Foreign Policy*, in *Foreign Policy: Theories, Actors, Cases*, Edited by Steve Smith, Amelia Hadfield and Tim Dunne, Oxford University Press.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی